

یادآوری



در سال گذشته با «هدف زندگی» آشنا شدیم و دانستیم که مقصود و محبوب نهایی زندگی ما «خداست». او سرچشمه همه خوبی‌ها و زیبایی‌هاست و حرکت به سوی این خوبی‌ها به معنای نزدیکی به اوست. در حقیقت، راه دستیابی به همه کمال‌ها و زیبایی‌ها تقرب به خداست. همچنین آموختیم که موجودات جهان، از آن‌ها خداوند و بازگشتشان هم به سوی اوست. در میان مخلوقات پیرامون ما، بازگشت انسان، یک بازگشت ویژه است. معاد هر انسانی از عمل اختیاری او شکل می‌گیرد. بنابراین، باید برای انجام بهترین عمل، به درستی برنامه‌ریزی کرد و عقاید، اخلاق و اعمالی که موجب رستگاری در دنیا و آخرت می‌شود را شناخت و به آنها پایبند بود.

امسال در این بخش از کتاب دین و زندگی، با روش هدایتی خداوند بیشتر آشنا می‌شویم تا با بهره‌مندی از هدایت‌های او، برای بهترین زندگی در دنیا و کسب خوشبختی جاویدان در آخرت، بهتر برنامه‌ریزی کنیم.



تفکر و اندیشه

۱

بخش اول



فیلم^۱

آب، نعمت بی نظیر خداوند، جلوه زیبایی و طراوت، مظهر پاکی و زلالی و عامل ادامه حیات است. در نبود آب، از آواز دلنشین پرندگان، طراوت و سرسبزی درختان و تبسم گل‌های زیبا و رنگارنگ طبیعت اثری نخواهد بود.



آری، آب مایه حیات و اساس زندگی در جهان است.

وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ^۲

انسان با آب نیازهای طبیعی و جسمی‌اش را برطرف می‌سازد و به‌طور کلی آب، حیات‌بخش جهان مادی، از جمله ما انسان‌هاست.

لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا^۳

اما راستی حیات روح بشر وابسته به چیست؟ چه چیزی به روح و درون انسان شادابی و طراوت می‌بخشد؟ چگونه می‌توان به این اکسیر حیات دست یافت؟

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ^۴

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دعوت خدا و پیامبر را بپذیرید؛ آنگاه که شما را به چیزی فرامی‌خواند که به شما زندگی حقیقی می‌بخشد.

۱- دبیران و دانش‌آموزان می‌توانند فیلم‌های کوتاهی را که متناسب با موضوع درس است، در سایت گروه قرآن و معارف، به آدرس quran-dept.talif.sch.ir در بخش «فیلم کوتاه» مشاهده کنند.

۲- سورة انبیاء، آیه ۳۰.

۳- سورة فرقان، آیه ۴۹.

۴- سورة انفال، آیه ۲۴.

يَقُومُ لَكُمْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ
يَنْصُرُنَا مِنَ بَأْسِ اللَّهِ إِنَّ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا
مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ ﴿٢٩﴾ وَقَالَ الَّذِي
ءَامَنَ يَقُومُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ ﴿٣٠﴾
مِثْلَ دَابِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَ
مَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ ﴿٣١﴾ وَيَقُومُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ
التَّنَادِ ﴿٣٢﴾ يَوْمَ تُوَلَّوْنَ مُدْبِرِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ
وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٣٣﴾ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ
مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّىٰ
إِذَا هَلَكَ قُلُوبُكُمْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ
يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ ﴿٣٤﴾ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي
ءَايَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَتْهُمْ كَبْرُ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ
ءَامَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ ﴿٣٥﴾ وَ
قَالَ فِرْعَوْنُ يُهَامُنُ ابْنِ لِي صِرَاحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ ﴿٣٦﴾

[مردی با ایمان از خاندان فرعون رو به سوی آنان گفت:] ای قوم من، [امروز حکومت از آن شماست، و] در این سرزمین چیره گشته‌اید، ولی [با این همه قدرت] چه کسی ما را در رهایی از عذاب خدا - اگر به سراغمان آمد - یاری می‌رساند؟! فرعون گفت: من جز آنچه را می‌بینم و به درستی آن اطمینان دارم به شما ارائه نمی‌دهم، و شما را جز به راه درست راهنمایی نمی‌کنم. ﴿۲۹﴾

و آن کس که ایمان آورده بود گفت: ای قوم من، حقیقتاً من بر شما از روزی همانند روز [عذاب] امت‌های گذشته بیمناکم ﴿۳۰﴾

من از نظیر آن سنتی که بر قوم نوح، عاد، ثمود و کسانی که پس از آنان بودند، جاری شد بیم دارم، و خدا برای بندگان ظلم و ستم نخواسته است. ﴿۳۱﴾

و ای قوم من، به راستی من بر شما از روزی که مردم یکدیگر را [به یاری هم] صدا می‌زنند می‌ترسم؛ ﴿۳۲﴾

روزی که روی می‌گردانید و می‌گریزد؛ در آن روز برای شما در برابر [عذاب] خدا هیچ حمایتگری نیست و خدا هر که را [به خاطر اعمالش] در بیراهه قرار دهد، هدایت کننده‌ای برای او نیست. ﴿۳۳﴾

و به راستی یوسف پیش از این، دلایل آشکار برای شما آورد، ولی شما همواره از آنچه آورده بود در تردید بودید، تا وقتی که از دنیا رفت، گفتید: هرگز خداوند پس از او رسولی بر نمی‌انگیزد. این‌گونه، خداوند کسانی را که از حدّ بگذرند و در شک و تردید به سر برند، به بیراهه می‌افکند. ﴿۳۴﴾

همان کسانی که درباره‌ی آیات خداوند بدون هیچ دلیل استواری مجادله می‌کنند. [این کارشان] خشم عظیمی نزد خداوند و نزد آنان که ایمان آورده‌اند به بار می‌آورد.

این‌گونه خداوند بر دل هر متکبر زورگویی مهر می‌زند. ﴿۳۵﴾

و فرعون گفت: ای هامان، برای من بنایی مرتفع بساز [تا بر فراز آن بروم]، شاید به اسباب [وسایل و راه‌هایی] دست یابیم ﴿۳۶﴾

هدایت الهی

دست‌اول



احتیاج دائمی انسان به داشتن برنامه‌ای که پاسخگوی نیازهایش باشد و سعادت او را تضمین کند، سبب شده است که در طول تاریخ همواره شاهد ارائه برنامه‌های متفاوت و گاه متضاد از جانب مکاتب بشری باشیم. از این‌رو این سؤالات در ذهن ایجاد می‌شود که: آیا می‌توان به مکاتب بشری اعتماد

کرد و زندگی را براساس برنامه‌های آنان بنا نهاد؟

آیا انسان می‌تواند تنها با تکیه بر عقل، برنامه کاملی برای سعادت خود ارائه دهد؟

یک برنامه مناسب برای سعادت انسان باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

آیا برنامه‌ای که فقط سعادت دنیای انسان را در بر بگیرد، کامل است؟

نیازهای برتر

انسان همچون سایر موجودات زنده، یک دسته نیازهای طبیعی و غریزی دارد؛ مانند نیاز به آب، هوا، غذا و پوشاک. خداوند پاسخ به این نیازها را در عالم طبیعت آماده کرده و قدرت آگاه شدن از آنها را نیز به انسان داده است. برای مثال، در وقت نیاز به آب و غذا احساس تشنگی و گرسنگی می‌کند و سراغ آب و غذا می‌رود. هنگام سرما و گرما، از مصالح موجود در طبیعت بهره می‌برد و برای خود لباس و پوشاک و مسکن تهیه می‌کند.

اما نیازهای انسان منحصر به نیازهای طبیعی و غریزی او نمی‌شود؛ زمانی که انسان، از سطح زندگی روزمره فراتر رود و در افق بالاتری بیندیشد، خود را با نیازهای مهم‌تری نیز روبه‌رو می‌بیند؛ نیازهایی که برآمده از سرمایه‌های ویژه‌ای است که خداوند به او عطا کرده است^۱. پاسخ صحیح به این نیازهای اساسی است که سعادت انسان را تضمین می‌کند.

این نیازها به تدریج به دل مشغولی، دغدغه و بالاخره به سؤال‌هایی تبدیل می‌شوند که انسان تا پاسخ آنها را نیابد، آرام نمی‌گیرد. برخی از این نیازها عبارت‌اند از:

۱- شناخت هدف زندگی: انسان می‌خواهد بداند «برای چه زندگی می‌کند؟» و کدام هدف است که می‌تواند با اطمینان خاطر، زندگی‌اش را صرف آن نماید؟ او می‌داند که اگر هدف حقیقی خود را شناسد یا در شناخت آن دچار خطا شود، عمر خود را از دست داده است. به همین خاطر، امام سجاد (ع) پیوسته این دعا را می‌خواند که:

«خدا یا ایام زندگانی مرا به آن چیزی اختصاص بده که مرا برای آن آفریده‌ای»^۲

۲- درک آینده خویش: انسان با این سؤال مهم و اساسی نیز روبه‌روست که: «آینده او چگونه است؟» «آیا زندگی او با مرگ تمام می‌شود یا دفتر حیات او به شکل دیگری گشوده می‌گردد؟»، «اگر حیات، به شکل دیگری ادامه می‌یابد و انسان زندگی ابدی را پس از مرگ آغاز خواهد کرد، نحوه زندگی او پس از مرگ چگونه است؟»، «زاد و توشه سفر به جهان دیگر چیست؟» و «خوشبختی وی در آن سرا در گرو انجام چه کارهایی است؟»

روزها فکر من این است و همه شب سحتم که چرا غافل از احوال دل خویشتم
از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود به کجا می‌روم آخر نمایم و طمتم^۳

۱- با این سرمایه‌ها در درس دوم کتاب دین و زندگی پایه دهم با عنوان «پرواز» آشنا شده‌اید.

۲- وَ اسْتَغْفِرُ آبَائِي فِي مَا خَلَقْتَنِي لَمْ. دعای مکارم الاخلاق.

۳- دیوان شمس، مولوی.

۳- کشف راه درست زندگی : راه زندگی یا «چگونه زیستن» که ارتباط دقیقی با دو نیاز قبلی دارد، دغدغه دیگر انسان‌های فکور و خردمند است. این دغدغه از آن جهت جدی است که انسان فقط یک بار به دنیا می‌آید و یک بار زندگی در دنیا را تجربه می‌کند. بنابراین در این فرصت تکرارنشده، باید از بین همه راه‌هایی که پیش روی اوست، راهی را برای زندگی انتخاب کند که به آن مطمئن باشد تا بتواند با بهره‌مندی از سرمایه‌های خدادادی به هدف خلقت برسد. بنابراین، یکی از سؤالات اساسی انسان این است که راه درست زندگی کدام است؟ و چگونه می‌توان به آن دست یافت؟

تدبّر در قرآن



در آیات سورة عصر تدبّر کنید و با کمک دوستان خود، به سؤالات پاسخ دهید :

- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ، إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ
- ۱- خداوند در این سوره به چه چیزی سوگند خورده است؟ چرا؟
 - ۲- چه خسارتی انسان را تهدید می‌کند؟
 - ۳- چه کسانی دچار خسران نمی‌شوند؟

پاسخ به این نیازها و سؤال‌های اساسی باید حداقل دو ویژگی داشته باشد :
الف) کاملاً درست و قابل اعتماد باشد؛ زیرا هر پاسخ احتمالی و مشکوک نیازمند تجربه و آزمون است. در حالی که عمر محدود آدمی برای چنین تجربه‌ای کافی نیست، به‌خصوص که راه‌های پیشنهادی هم بسیار زیاد و گوناگون‌اند.

ب) همه جانبه باشد؛ به طوری که به نیازهای مختلف انسان به صورت هماهنگ پاسخ دهد؛ زیرا ابعاد جسمی و روحی، فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی وی، پیوند و ارتباط کامل و تنگاتنگی با هم دارند و نمی‌توان برای هر بُعدی جداگانه برنامه‌ریزی کرد.

با توجه به این دو ویژگی کسی می‌تواند پاسخ صحیح این سؤال‌ها را بدهد که :

- ۱- آگاهی کاملی از خلقت انسان، جایگاه او در نظام هستی، ابعاد دقیق و ظریف روحی و جسمی و نیز فردی و اجتماعی او داشته باشد.
- ۲- همچنین بداند که انسان‌ها، پس از مرگ، چه سرنوشتی دارند و دقیقاً چه عاقبتی در انتظار آنهاست.

با توجه به توضیحات، بررسی کنید که

الف) آیا عقل انسان به تنهایی می‌تواند به این سؤال‌های اساسی پاسخ کامل و جامع دهد؟ چرا؟

ب) آیا انسان به تنهایی می‌تواند مسیر سعادت را طراحی کند؟ چرا؟

فیلم: توانایی‌های عقل من تاجه اندازه است؟ 

دانش تکمیلی

برای آشنایی با برخی از مکتب‌هایی که براساس عقل و دانش بشری به سؤالات اساسی انسان پاسخ داده‌اند و نتایج ناگواری در زندگی انسان‌ها به جای گذاشته‌اند، به سایت گروه قرآن و معارف بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید. برای ورود به سایت گروه قرآن و معارف کافی است به آدرس <http://quran-dept.talif.sch.ir> مراجعه کنید.^۱

شیوه هدایت خداوند

خداوند هر دسته از مخلوقات را متناسب با ویژگی‌هایی که در وجودشان قرار داده است هدایت می‌کند.^۲ انسان ویژگی‌هایی دارد که او را از سایر مخلوقات متمایز می‌کند و همین امر سبب شده شیوه هدایت او متفاوت باشد.

یکی از این ویژگی‌ها، توانایی تعقل و تفکر و ویژگی دیگر قدرت اختیار و انتخاب اوست؛ انسان، ابتدا درباره هرکاری تفکر می‌کند، اگر تشخیص داد که آن کار مفید است و او را به هدفش می‌رساند، آن را انتخاب می‌کند و انجام می‌دهد.

هدایت خداوند نیز از مسیر این دو ویژگی می‌گذرد؛ یعنی خداوند برنامه هدایت انسان را که دربرگیرنده پاسخ به سؤالات بنیادین است، از طریق پیامبران می‌فرستد، تا انسان با تفکر در این برنامه و پی بردن به ویژگی‌ها و امتیازات آن، با اختیار خود این برنامه را انتخاب کند و در زندگی به کار بندد و به هدفی که خداوند در خلقت او قرار داده است، برسد.

انسان با عقل خود در پیام الهی تفکر می‌کند و با کسب معرفت و تشخیص بایدها و نبایدها، راه

۱- مطالب بخش «دانش تکمیلی» صرفاً جهت توسعه اطلاعات دانش‌آموزان علاقه‌مند بوده و در آزمون‌های پایانی و یا آزمون‌های سراسری، سؤالی از آن طراحی نخواهد شد.

۲- به‌طور مثال، زنبور عسل که ساختمان بدنی ویژه‌ای دارد و برای تولید عسل باید مکان مخصوصی را تهیه کند، خداوند او را هدایت می‌کند تا آن کندوی مخصوص را بسازد (سوره نحل، آیه ۶۸).

صحیح زندگی را می‌یابد و پیش می‌رود.

امام کاظم علیه السلام به شاگرد برجسته خود، هشام بن حکم، فرمود:

«ای هشام، خداوند رسولانش را به سوی بندگان نفرستاد، جز برای آنکه بندگان در پیام الهی تعقل کنند. کسانی این پیام را بهتر می‌پذیرند که از معرفت برتری برخوردار باشند و آنان که در تعقل و تفکر برترند، نسبت به فرمان‌های الهی داناترند و آن کس که عقلش کامل‌تر است، رتبه‌اش در دنیا و آخرت بالاتر است.»^۱

بنابراین با کنار هم قرار گرفتن عقل و وحی می‌توان به پاسخ سؤال‌های اساسی دست یافت. البته انسان به علت دارا بودن اختیار می‌تواند راه‌های دیگری را نیز برگزیند. اما چنان‌که گفته شد، چون هر برنامه دیگری غیر از برنامه خداوند نمی‌تواند پاسخ درستی به آن نیازها بدهد، انسان زیان خواهد کرد و با دست خالی به دیار آخرت خواهد شتافت.

تکمیل کنید

اگر خداوند به سؤال‌های اساسی انسان پاسخ ندهد و او را رها کند، انسان در قیامت می‌تواند بگوید:

خداوند، در قرآن کریم درباره تمام و کامل شدن حجت الهی با فرستادن انبیا فرموده است:

رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ لِّئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ ...^۲

رسولانی (را فرستاد که) بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده باشند، تا بعد از آمدن پیامبران، برای مردم در مقابل خداوند، دستاویز و دلیلی نباشد...

خداوند با ... راه ... را بسته است و حجت را بر بندگان تمام کرده است.

۱- اصول کافی، کلینی، ج ۱، ص ۱۹.

۲- سوره نساء، آیه ۱۶۵.

شاید این سؤال پیش بیاید که: انسان امروزی چقدر به دین و پیام آسمانی نیازمند است؟ به عبارت دیگر: آیا آن نیازهایی که انسان‌های گذشته را به سوی خدا و دین الهی می‌کشاند، همچنان پابرجاست؟

با نگاهی به سرنوشت انسان معاصر و شرایط کنونی او درمی‌یابیم که نه تنها آن نیازهای بنیادین قوی‌تر و جدی‌تر از گذشته پابرجاست، بلکه اگر انسان امروز به خدا و پیام الهی روی نیاورد، سرنوشت خطرناکی در انتظار اوست.

در قرن‌های هفدهم، هجدهم و نوزدهم که علوم تجربی در غرب پیشرفت کرد، چنین تصور می‌شد که می‌توان با کمک این علوم به نیازهای برتر انسان پاسخ گفت. اما هر قدر که علم پیش می‌رفت انسان احساس می‌کرد که نیازهای بنیادینش همچنان بی‌پاسخ مانده است. انسان امروز می‌بیند که آرامش درونی‌اش کاهش یافته، هدف متعالی زندگی وی گم شده، ظلم و بی‌عدالتی گسترش یافته، دانش و تکنولوژی در خدمت اهداف ضدانسانی صاحبان زر و زور قرار گرفته، جهان به دو قطب محروم (با جمعیتی بسیار زیاد) و ثروتمند (با جمعیتی اندک) تقسیم شده است، سلاح‌های مخرب با قدرت تخریبی فوق‌العاده جان انسان‌های مظلوم و بی‌دفاع را به راحتی می‌گیرد، انواع مواد مخدر در شکل‌های مختلف در دسترس افراد قرار گرفته، فسادهای گوناگون اخلاقی رواج یافته و استفاده ابزاری از زن، ارزش انسانی زنان را تنزل داده است.

اگر از ظاهر ترین شده زندگی انسان امروز عبور کنیم و به واقعیت درونی آن برسیم، رنج بزرگ او را مشاهده می‌کنیم. انسان امروزی دریافته است که علم با همه فایده‌ها و خوبی‌هایش، به تنهایی نمی‌تواند او را از بحران‌های بزرگ رهایی بخشد و به نیازهای اساسی‌اش پاسخی مناسب دهد. همین امر، انسان را برانگیخته است تا بار دیگر به خدا و دین روی آورد و رهایی از سرگردانی را در بازگشت به دین جست‌وجو کند. در نتیجه، انسان امروز بیش از گذشته به پیام الهی احساس نیاز می‌کند.

خوب است بدانیم که اکنون ترجمه قرآن کریم به زبان انگلیسی از پرفرودارترین کتاب‌هاست و شمار کسانی که در اروپا به دین اسلام می‌گروند، بیش از سایر ادیان است.^۲

۱- این قسمت صرفاً جهت توسعه اطلاعات دانش‌آموز بوده و در امتحانات پایانی و آزمون‌های ورودی دانشگاه سؤالی از آن طرح نمی‌شود.

- ۱- آیا انسان می‌تواند پاسخ دادن به نیازهای برتر را نادیده بگیرد و براساس ضرب‌المثل «هرچه پیش آید خوش آید» رفتار کند؟ چرا؟
- ۲- آیا می‌توانیم پاسخ به نیازهای برتر را به احساسات شخصی و سلیقه فردی واگذار کنیم؟ چرا؟
- ۳- شعر زیر با کدام یک از نیازهای برتر انسان مرتبط است؟ چرا؟


مرد خرومند هنر پیشه^۱ را عمر دو بایست در این روزگار
تا به یکی تجربه آموختن با دیگری تجربه بردن به کار^۲




۱- هنرپیشه: کاردان و با فرهنگ.

۲- سعدی.



وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ
كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ
لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ
عَلَىٰ ذُلِّكُمْ إِصْرِي ۖ قَالُوا أَأَقْرَرْنَا ۚ قَالَ فَاشْهَدُوا
أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٨١﴾ فَمَنْ تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَلِكَ
فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٨٢﴾ أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ
وَلَهُ اسْلَمَ مَنْ فِي السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ
كَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾ قُلْ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا
أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ
وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ
وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ ۖ لَا نُفَرِّقُ
بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿٨٤﴾
وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ
مِنْهُ ۚ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٨٥﴾

و [به یاد آرید] هنگامی که خداوند از پیامبران [و پیروان آنها] پیمان گرفت که هر گاه به شما کتاب و حکمت دادم سپس [در آینده] فرستاده‌ای برای شما آمد که آنچه را در نزد شماست تصدیق نمود، حتماً باید به او ایمان آورید و او را یاری دهید. آن‌گاه [به پیامبران] فرمود: آیا اقرار کردید و در این باره پیمان مرا پذیرفتید؟ گفتند: آری، اقرار کردیم. فرمود: پس گواه و شاهد باشید و من نیز با شما از شاهدانم. 

پس کسانی که بعد از این روی برتابند، آنان فاسقان‌اند. 
 آیا غیر از دین خدا می‌جویند؟ و همهٔ کسانی که در آسمان‌ها و زمین‌اند، خواه و ناخواه در برابر او تسلیم‌اند. و همه به سوی او بازگردانده می‌شوند. 
 [ای پیامبر،] بگو: من و پیروانم به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط [پیامبرانی از نسل یعقوب] فروفرستاده شده، و آنچه به موسی و عیسی و دیگر پیامبران از جانب پروردگارشان عطا شده است ایمان آورده‌ایم و میان هیچ یک از پیامبران فرقی نمی‌گذاریم و ما تسلیم و فرمانبردار خداییم. 
 و هرکس دینی جز اسلام اختیار کند، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران خواهد بود. 